

آینه

اخبار

چرا گفت‌وگو با پرویز قاجار؛ نقدی به ما وارد است که چرا کمیته امداد تا این حد گسترده شده و ما هم این نقد را می‌پذیریم. به اعتقاد ما، نهادهای خیریه، کار ما را انجام می‌دهند. خیریه‌ها، مزاحم و رقیب نیستند و اگر به نهادهای خیریه اعتماد کنیم، می‌توانند بخش مهمی از بار ما و دولت را بردارند. منتهی با یک اشکال قانونی مواجهیم که من در صحن مجلس هم این اشکال را مطرح کردم. سازمان بهزیستی کشور، وزارت کشور و نیروی انتظامی به نهادهای خیریه مجوز فعالیت می‌دهند اما پس از صدور مجوز، مرجع متولی نظارت بر فعالیت خیریه‌ها نامعلوم است… ما در صدور مجوز خیریه‌ها و نظارت بر فعالیت آنها هیچ دخالتی نداریم، اما شاهد این خلا قانونی هستیم و از مجلس خواشم می‌کنیم و من هم به نمایندگان مجلس نامه نوشتم- در صحن هم گفتم نظارت بر خیریه‌ها نیازمند قانون است. ما می‌توانیم بار کمیته امداد را بر دوش خیریه‌ها بگذاریم و امروز هم این همکاری را داریم چراکه خیریه‌ها، وظایف کمیته امداد را بهتر هم انجام می‌دهند چون سبکبارتر هستند. در دو سال ونیم گذشته هم کمیته امداد را ۲۰ تا ۲۵ درصد کوچک کردیم. بیش از پنج هزار نفر از نیروهای امداد تعدیل شدند اگرچه برای من بسیار دشوار بود… وقتی آقای ترامپ عقده‌کشایی می‌کند از من و حضرت آقا و آقای روحانی و آقای خاتمی به یک اندازه ناراحت است چون متفق از نظامی که می‌خواسته ساقط کند، دفاع کرده‌ایم.

تسمیاء

آمارهای متروک!

● گفت‌وگو با صفاهی‌فراہانی: در گزارش‌های دیگری از جمله گزارش بانک مرکزی و دیگر اقتصاددانان اشاره شده است و تاکید شده که از سال ۸۶ درآمد خانوار سیر نزولی پیدا کرده است. وزیر اقتصاد در دولت یازدهم می‌گوید رشد اقتصادی سنوات گذشته زیر سه درصد است. این در حالی است که حداقل متوسط رشد باید پنج درصد باشد. مطابق با گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار، میزان ایجاد اشتغال از سال ۸۴ تا ۹۲ به‌طور متوسط سالانه زیر ۶۰هزار نفر در کشور بوده است؛ درحالی‌که براساس همان گزارش‌ها، باید حداقل ۷۵۰هزار نفر شغل در سال ایجاد می‌شد! لذا فریادهای اعتراضی امروز متوجه من و همه مدیرانی است که طی این سال‌ها در مصدر کار بوده‌اند و براساس اصل «هر که باشی پیش، برقش بیشتر»، هرکسی مسئولیت بزرگ‌تر با زمان طولانی‌تری در اختیار داشته، باید به معترضان و به‌طورکلی همه مردم کشور، بیشتر پاسخ‌گو باشد که چرا در تمامی این سال‌ها دست در جیب بانک‌ها و صندوق‌های بانزنستگی و درآمد نفتی و… کرده و به‌جای رفاه نسبی برای مردم، ابربحران‌های متعدد ایجاد کرده است… در سال ۸۹، یعنی زمان شروع توزیع یارانه نقدی، بنده زندان بودم؛ باین‌همه، در زندان به یکی از مدیران مسئول آن روز اطلاعات سپاه گفتم می‌گویند ما امنیت ملی را به خطر انداخته‌ایم. برای ایشان توضیح مفصل دادم که این توزیع یارانه به این صورت، بدترین تصمیمی است که امنیت ملی ایران را در آینده به خطر می‌اندازد! … بحران مدیریت در ایران بحثی جدی است که از ابتدای پیروزی انقلاب ۵۷، به‌ویژه با بحث تعهد و تخصص، به‌تدریج قوت گرفت و با آن به‌طور مبنایی مدیریت‌زاد شد! از ۲۲ بهمن ۵۷ تا تابستان سال ۱۳۵۸ در ستاد نیروی زمینی بودم. شاید افسران بازنشسته در آن زمان الان من را به خاطر داشته باشند. من از طرف کمیته مرکز در ستاد نیروی زمینی مستقر و شاهد بودم که معاونان ستاد نیروی زمینی در قبل از انقلاب همه سپهبد و سرلشکر بودند و به‌رکدام دوره طرح دافوس دیده و هریک به دو یا سه زبان مسلط بودند. رئیس دفتر همه این سمت‌ها درجه سرهنک داشتند. ما امدیم، همه را کنار زدیم و همان سرهنک‌ها را به جای آنها گماردیم. اگر همین موضوع را به کل کشور تعمیم ددید، متوجه خواهید شد که در درجه اول چه بر سر مدیریت کشور آمده است. آنچه بعد از انقلاب بر سر فعالان اقتصادی رفت، به وختامت اوضاع اقتصادی منتهی شد. نمونه‌اش مدیریت شرکت‌هایی مثل ارج و آرمایش و آرمه و تسا و… است. حتی شرکت‌هایی مانند ایران خودرو را از بدو تأسیس که سال ۴۶ است. اگر خانم پورفوسور میرزاخانی در ایران بود، اجازه می‌دادند استاد دانشگاه شود؟ حالا بعد از فوتش می‌خواهند یک خیابان را به نامش کنند؟

politics@sharghdaily.ir

چرا در توییت‌ر هم اگر دنبال کنید، متوجه می‌شوید که بحث انتقادات‌ها به صدواسیما بسیار زیاد و بالاست.

بله، من به شما حق می‌دهم. بعضی اعتراضات هست. اما این طرف را هم باید بگوییم. من در هر جلسه حزب‌اللهی و مردمی هم که می‌رفتم، به‌شدت به ما انتقاد می‌شد. همان زمان که مسئول بودم و تنها می‌رفتم نماز جمعه و با محافظ هم نمی‌رفتم. از پشت برخی از این جوان‌ها یقه من را می‌گرفتند و می‌کشیدند و انتقاد می‌کردند که چرا فلان فرد مثلا آمده در صدواسیما؟ چرا تریسون داده‌اید به فلان فرد و خون شهدا مثلا پایمال شده است؟ صدواسیما در زمان من و بعد از من تریسون گسترده‌ای برای حامیان مذاکرات فراهم کرد تا بچه‌های کوچک هم تخت‌روانچی و عراقچی را بشناسند. بعضی مواقع هم بحث تعاملی می‌شود و برخی اوقات هم دولتی‌ها نمی‌آیند.

● ولی واقعا این‌طور نبود که فقط همین یک‌بار باشد؛ ما در سال‌های اخیر بارهاوبارها دیده‌ایم که صدواسیما فضا و امکان خیلی خوبی به منتقدان برجام داده است و برنامه‌هایی که ساخته اصلا یک‌طرفه و در راستای حمایت از برجام نبوده است؛ تا جایی که یک‌بار از وزارت خارجه قرار بود یک نفر بیاید صدواسیما صحبت کند اما این صدواسیما بود که تعیین می‌کرد باید حتما یک نفر جلو این مقام وزارت خارجه بنشیند و او حق ندارد نت صحبت کند که در نهایت با مخالفت آن مقام روبه‌رو و برنامه کنسل شد.

حالا شاید در برنامه‌ای خاص این‌طور بوده است. در یک برنامه سردبیر می‌تواند بگوید این برنامه من چالشی است و دوطرف را می‌خواهم مطرح کنم اما بارها دیده‌ام مثلا آقای عراقچی تنها آمده‌اند و خوب هم صحبت کرده‌اند. آقای ظریف بارها تنها آمده صحبت کرده است. من به ضرس قاطع به شما می‌گویم زمان من و تا الان، زمان آقای عسکری، حجم برنامه‌هایی که در راستای تریسون‌دادن به تبیین برجام بوده، به مراتب بیش از برنامه‌های مقابل بوده است.

● البته به نظر من باید درباره این‌ا ادعا با آمار و ارقام صحبت کرد.

اشکال ندارد. مسئله آن‌قدر روشن است که من این ادعا را مطرح می‌کنم.

● ببینید در ماجرای برجام مسئله رویکرد صدواسیما مطرح است. صدواسیما با یک بیرونده حاکمیتی برخورد جناحی می‌کند برای اینکه دولت را بزند؛ رسانه ملی رسانه یک جناح یا یک طیف سیاسی نیست که این‌طور برخورد کند.

این دیگر تکرار حرف شماسنت. من می‌گویم این‌طور نیست و همکاری جدی با دولت بوده است. برنامه‌های انتقادی هم داشته و سعی کرده که از خود دولت هم باشد که خودشان ترقه‌اند. اما حرفتان از یادان تروید؛ بله، «اخبار ۲۰۳۰» در زمان من راه افتاد. من در حوزه خبر آسیب‌شناسی کردم و حس کردم در صدواسیما اخبار خیلی خشک خوانده می‌شود و مطالب انتقادی خیلی زمخت جلوه داده می‌شود.

● در مقابل شکل ۲۰۳۰ ایرادی نمی‌بینم. بلکه ایراد به محتوای آن است که معتقدم کاملا یک‌سویه و جناحی بود.

آن زمان که من بودم چنین احساسی نمی‌شد. **● ولی من می‌توانم برای شما بارهاوبارها مثال بیاورم.**

واقعی صحبت کنیم. انتقاداتی که از طرف دولت در آن دوره به ما می‌شد، به صورتی بود که می‌گفتم «۲۰۳۰» که پخش می‌شود، موبایل من نیم‌ساعت خاموش است. از یک طریق دیگر تماس بگیرید»، چون می‌دانستم حمله‌ها آغاز می‌شود. این را بچه‌های سازمان می‌دانند.

● منظور شما دولت احمدی‌نژاد است یا خاتمی؟
آقای احمدی‌نژاد، قرار بود بستر ۲۰۳۰ نرم باشد و خیلی به افکار برنخورد. من درک کرده بودم که کمی حواشی شیرین برای جامعه خوب است، اگرچه یکی از راهبردهای رسانه ملی این است که بر متن متمرکز شود و اگر هر روز برود در حاشیه اصلا تکلیف کشور مشخص نیست. یادم هست آقای دکتر رحمانی، معاون سیاسی وقت، روی این طرح کار کرد و آورد. من شبکه دو را انتخاب کردم و به آقای پورحسین، رئیس شبکه، گفتم بپذیر که در این ساعت این وقت به این برنامه سیاسی داده شود. او هم پذیرفت و معروف شد به ۲۰:۳۰. شبکه دو، یکی از کسانی که خیلی از این برنامه استقبال کرد آقای خاتمی بود. به شما بگویم که من با سه رئیس‌جمهوری کار کردم. با آقای خاتمی کمترین مسئله را در صدواسیما داشتیم. حتی کار که آقای خاتمی رفته بود دانشگاه تهران و دانشجو‌ها علیه او شعار داده بودند.

● آخر کار ریاست جمهوری ایشان بود.

بله ایشان عصبانی شد و گفته می‌گویم شما را در جلسه بیرون کنند. این جزء خوراک بود. کم‌اینکه وقتی آقای احمدی‌نژاد هم اولین سخنرانی‌اش را در دانشگاه